

یاس و سرخوردگی در میان حامیان رضا پهلوی!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

هم‌زمان با آغاز جنگ ۱۲ روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران در سال گذشته، به‌نظر می‌رسید لحظه‌ای سرنوشت‌ساز برای رضا پهلوی، پسر آخرین شاه ایران، فرا رسیده است. او اگرچه حدود نیم قرن است که پا بر خاک ایران نگذاشته و هیچ فعالیت سیاسی چشم‌گیری هم نداشته، اما در آمریکا و اروپا در جلسات و سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای رسانه‌ای ادعاهایی کرده است که از بیخ و بند بی‌اساس بودند.

برای مثال، رضا پهلوی در مصاحبه با رویترز، به ادعای خود درباره ریزش چند هزار نفر از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و آمادگی برای پیوستن به او پاسخ داد...

اواسط سال ۱۴۰۴، پلتفرمی در شبکه اینترنت‌شنال، شبکه حامی دولت اسرائیل، با نام «همکاری ملی» تبلیغ می‌شد تا افراد وابسته به نیروهای مسلح ایران برای همکاری با پهلوی از طریق آن اقدام کنند. بعد از راه‌اندازی این پلتفرم، رضا مدعی بود که ۵۰ هزار نفر از نیروهای نظامی در این سکو ثبت نام کرده و آماده همکاری هستند و حتی عده‌ای عده‌ها را تا ۱۲۰ هزار نفر هم بالا بردند.

او بعداً و در مصاحبه دیگری درباره ادعای ریزشی‌های نیروهای مسلح در استدلالی مضحک گفت: «وقتی گفتم هزاران نفر از نیروهای نظامی با ما در ارتباط هستند، منظورم این بود که تعداد زیادی پیام مستقیم دریافت کرده‌ام از افرادی که خود را عضو سپاه، بسیج، ارتش یا دیگر نهادهای حکومتی معرفی می‌کنند... مثلاً می‌گفتند "من عضو بسیج در مشهد هستم" یا «من در فلان منطقه عضو سپاه هستم»!

رضا پهلوی روز ششم ماه مارس ۲۰۲۶، کمی پس از آغاز حملات در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «مردم ایران از من خواسته‌اند که پس از رفتن این رژیم، رهبری دوران گذار را بر عهده بگیرم. من این مسئولیت را پذیرفته‌ام»؟!

این البته نخستین بار نبود که رضا پهلوی چنین ادعاهایی را بیان کرد. او پیش‌تر نیز در فوریه ۲۰۲۵ و در جریان نشست در ژنو، گفته بود: «به درخواست هموطنانم، من به جلو می‌آیم تا این جنبش و انتقال را رهبری کنم. نه برای خودم، نه برای پست یا قدرت، بلکه به خاطر انجام وظیفه‌ام به عنوان یک میهن‌پرست».

پهلوی در ماه مارس، در جریان کنفرانس «اقدام سیاسی محافظه‌کاران» در تگزاس با یکی از «پرشورترین استقبال‌ها» روبه‌رو شد. هنگامی که روی صحنه رفت، حامیان سرسخت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا و چندین شهروند آمریکایی ایرانی‌تبار که پرچم شیروخورشید در دست داشتند، برای ۴۵ ثانیه ایستاده او را تشویق کردند.

چهار روز بعد، اظهارات ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث‌سوشال» منجر به وحشت بسیاری از مهاجران ایرانی شد. او نوشت: «ما ایران را به ورطه نابودی می‌کشانیم، یا به قول معروف، به عصر حجر بازمی‌گردانیم».

پهلوی در گفت‌وگو با رویترز، مستقیماً به اظهارات دونالد ترامپ درباره بازگرداندن ایران به «عصر حجر» نپرداخت اما برعکس، تأکید کرد که حملات نظامی باید «تا حد امکان ضربات سنگینی به رژیم وارد کند» و ...

به گزارش رویترز، هم‌زمان، برخی از حامیان مالی پهلوی که در یک گروه خصوصی واتس‌آپ با یکدیگر در ارتباط هستند، نه‌تنها از انتقاد کم‌رنگ او از تهدیدهای افراطی ترامپ در دوران جنگ سرخورده شدند، بلکه مسائل دیگری نیز آن‌ها را ناامید کرد.

در ماه فوریه، چند نفر که خود را حامی پهلوی معرفی می‌کردند، در وین با مهدی شاه‌پروری، صاحب یک رستوران ایرانی، روبه‌رو شدند و از او خواستند پرچم شیروخورشید را نصب کند. شاه‌پروری به رویترز گفت پس از مخالفت، آن‌ها تهدید کردند کسب‌وکارش را نابود کنند، به کارکنان توهین کردند و مشتریان را ترسانند. ویدیوی این حادثه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

در دادگاهی که در این مورد برگزار شد، مردی در دو فقره اتهام تهدید خطرناک و اجبار مجرم شناخته شد و دادگاه او را به پرداخت مبلغ نمادین ۱۰۰ یورو به آقای شاه‌پروری محکوم کرد. بنابر اعلام دادستانی وین، تحقیقات درباره یک زن مظنون هم‌چنان ادامه دارد.

هم‌چنین به پرونده کشته‌شدن مسعود مسجودی در کانادا و بازداشت دو نفر یعنی مهدی احمدزاده و آرزو سلطانی به اتهام قتل او اشاره کرده و این دو را از حامیان پهلوی دانسته‌اند.

بنابر این گزارش، مسجودی که در ابتدا هوادار پهلوی بوده، در نهایت از او فاصله گرفته و در سال ۲۰۲۴ چندین شکایت را علیه پهلوی و برخی حامیان‌ش در دیوان عالی بریتیش کلمبیا مطرح کرد. در یکی از این شکایت‌ها آمده بود: «رضا پهلوی از طریق دفتر، مشاوران، منشی‌ها و همکاران خود سابقه‌ای مستمر در هدایت حملات سایبری علیه فعالان مخالف ایرانی، به‌ویژه فعالان دموکراسی‌خواه، دارد».

مسجودی استدلال کرده بود که رضا پهلوی «به نیابت، مسئول رفتار حامیان خود است»، زیرا آن‌ها «تحت نفوذ او» عمل می‌کردند.

سعید قاسمی‌نژاد، مشاور ارشد پهلوی در ماه ژانویه ۲۰۲۶ در شبکه اجتماعی ایکس، تنها هدف جمهوری اسلامی را «از میدان به‌در کردن رضا پهلوی» خواند و نوشت: «یا کنار شاهزاده رضا پهلوی هستی یا کنار جمهوری اسلامی. اگر فرمانده میدان را به هر بهانه‌ای تضعیف می‌کنید عامل دشمنید.»!

...



در گزارش مفصلی که رویترز روز سه‌شنبه ششم مردادماه ۱۴۰۵، با عنوان «تغییر رژیم؟ نگاهی به تلاش متزلزل رضا پهلوی برای رهبری ایران» منتشر کرد، آمده است که فرزند ارشد محمدرضا شاه در حال حاضر با «حامیان مالی ناراضی، دست رد از طرف واشینگتن، و خشونت برخی از هوادارانش دست به گریبان است.»

پهلوی، با این همه، در مصاحبه نزدیک به نیم‌ساعته با نویسندگان گزارش تاکید کرده است که جمهوری اسلامی به‌رغم تمام مشکلات «در آستانه سقوط است و خود او پلی است به سوی آینده‌ای دموکراتیک» برای ایران. رویترز برای تهیه این گزارش با بیش از ۵۰ نفر مصاحبه کرده است، از جمله هشت نفر که هنوز با پهلوی در ارتباط هستند یا پیش‌تر در ارتباط بوده‌اند.

سرخوردگی حامیان مالی

عده‌ای از این اشخاص حامیان مالی بزرگ رضا پهلوی در راه رهبری مردم برای گذر از حکومت فعلی در کشور بوده‌اند که، به نوشته رویترز، اکنون از او سرخورده و ناراضی‌اند.

کم‌تر از ۱۰ نفر از این حامیان مالی در دورهٔ اخیر یعنی پس از جنگ ۱۲ روزه در تابستان سال ۱۴۰۴ و «پس از آن که در دی‌ماه هزاران نفر در ایران نام رضا پهلوی را فریاد زدند»، بیش از سه میلیون دلار به دفتر پهلوی کمک کرده‌اند.

به نوشته رویترز، در پی جنگ ۱۲ روزه، ۱۵ ایرانی آمریکایی صاحب کسب‌وکار و تجارت در ایالات متحده گروهی در واتس‌اپ تشکیل داده‌اند که خصوصی درباره اوضاع ایران حرف بزنند؛ گروهی که در نهایت به ۲۸ نفر افزایش یافته است. ارزش شرکت‌های این افراد در بازار جهانی «بیش از یک تریلیون دلار» تخمین زده می‌شود.

دارا خسروشاهی، مدیر کمپانی اوبر، و حمید مقدم، مدیر غول مستغلات در آمریکا، پرولوگیس، از جمله افرادی بوده‌اند که در نهایت به دفتر پهلوی کمک مالی کرده‌اند، اما اکنون از رهبری او رضایت ندارند. خسروشاهی از طریق سخنگوی شرکتش گفته است که سلطنت‌طلب نیست و برای تأمین هزینه حفاظت از پهلوی کمک مالی کرده است.

ویدئویی از دیدار خسروشاهی با ترامپ و محمد بن سلمان:

به گفته کامرون خوانساری‌نیا، رییس دفتر رضا پهلوی، این کمک‌های مالی برای اموری چون سفر و پرداخت حقوق و حفاظت از او خرج می‌شود. آن‌طور که در گزارش رویترز آمده است، این حامیان مالی بزرگ هم از این که پهلوی تهدیدهای شدیداللقن دونالد ترامپ علیه مردم و تمدن ایران را محکوم نکرده ناراضی‌اند و هم از این که او «توصیه آن‌ها برای تلاش بیشتر در راه متحد کردن اپوزیسیون و محکوم کردن برخی هواداران افراطی خود» را پشت گوش انداخته است.

یکی از این حامیان که رویترز به نامش اشاره نکرده، به این خبرگزاری گفته است که پس از مشاهده این رویکرد پهلوی، دیگر به او کمک نکرده است. او گفته است: «ما همه آدم‌های تجارت و بازار هستیم. می‌خواهیم سرمایه‌گذاری‌مان برگشتی هم داشته باشد.»

رضا پهلوی در مصاحبه خود با رویترز در پاسخ به این انتقاد گفته است: «من قرار نیست ماموریت را بر اساس انتظار و توقع یک حامی مالی عوض کنم. این روش کار من نیست.»

«شما کسی نیستید»

در گزارش رویترز درباره ناکامی پهلوی در کنترل برخی از هواداران افراطی و دستیاران و مشاوران و حتی همسرش آمده است که این ناکامی یا پشت گوش انداختن که مورد انتقاد حامیان مالی او هم بوده در نهایت به گسست و انشقاق بیشتر در اپوزیسیون ایران منجر شده است.

رویترز در این باره به اتفاقی اشاره می‌کند که در تورنتو کانادا پس از رونمایی از ائتلاف جورج‌تاون در واشینگتن با حضور دست‌کم حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد و یاسمین پهلوی افتاده است.

به نوشته رویترز، در مارس ۲۰۲۳، در بحبوحه جنبش «زن، زندگی، آزادی»، وقتی اعضای ائتلاف قرار بوده در تورنتو روی صحنه بروند، یاسمین پهلوی وارد اتاق شده و به این اعضا گفته است که شما در مقایسه با همسر من، رضا پهلوی، «هیچ‌کس نیستید.»

همسر رضا پهلوی که پس از آغاز جنبش «زن، زندگی، آزادی» در بسیاری از رویدادهای اپوزیسیون در خارج از کشور حضور داشته و بارها از طرف بخش‌هایی دیگر از اپوزیسیون ایران به تفرقه‌افکنی و توهین به دیگران متهم شده، در بیانیه‌ای به رویترز گفته است که این اتفاق در تورنتو «کاملاً ساختگی است و چنین برخوردی در تورنتو اصلاً رخ نداده است.»

برخلاف گزارشگران رويترز که تلاش رضا پهلوی به عنوان اپوزيسيون را «کارزاری در حال فروکش کردن» توصيف کرده‌اند، پهلوی در مصاحبه خود می‌گوید این که او نتوانسته جنبشی توده‌ای به راه بیندازد «حقیقت ندارد».

آخرین ولیعهد ایران در توضیح به فراخوان خود برای روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه سال گذشته اشاره کرده که به‌گفته بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران در به خیابان آمدن مردم در آن روزها مؤثر بود، اما در نهایت به کشتار هزاران نفر به دست نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی انجامید.

پهلوی هم‌چنین در این مصاحبه ادعا می‌کند که با «رهبران» بیش از «هزار هستهٔ مختلف» از میان کارگران و دانشگاهیان و گروه‌های دیگر در داخل کشور در ارتباط است؛ کسانی که «به محض این که راه باز شود، آماده مداخله هستند».

رویتز نتوانسته است تعداد کسان یا گروه‌هایی را که از داخل ایران با رضا پهلوی همکاری می‌کنند، به‌طور مستقل راستی‌آزمایی کند.

او در پاسخ به انتقادهای برخی از گروه‌های اپوزيسيون در گفت‌وگو با رويترز گفته است که منتقدان «نظرشان محترم است، بعضی‌ها شاید از قیافهٔ من خوش‌شان نیاید و بعضی‌ها هم شاید بخواهند من این کار و آن کار را بکنم، ولی به‌نظرم تا حد زیادی من از حمایت بسیاری از افراد در داخل و خارج از کشور برخوردارم».

پهلوی که پیش‌تر هرگونه مذاکره و مصالحه با حکومت ایران را رد کرده و از آتش‌بس دولت ترامپ با ایران هم انتقاد کرده، در مصاحبه خود گفته است که از مردم ایران نباید «به‌عنوان ابزار مذاکره بهره‌برداری کرد. مردم برای باز شدن تنگه هرگز یا توافق هسته‌ای کشته نشدند، آن‌ها برای آزادی جان باختند.» رويترز در پایان گزارش مبسوط و تحقیقی خود، با اشاره به این که پهلوی چند دهه است خواستار سرنوشتی حکومت جمهوری اسلامی است، یادآوری کرده است که دولت آمریکا در حال حاضر بار دیگر در حال مذاکره با تهران است و دیگر هیچ حرفی از تغییر رژیم نمی‌زند.



اکنون رضا پهلوی و حامیانش به تهدید و راه‌انداختن رعب و وحشت در میان مخالفین سیاسی خود در خارج کشور راه انداخته است. حضور در خیابان، موضوع مشترکی است که هم جمهوری اسلامی و هم سلطنت‌طلبان که پس از خشونت‌های سیاسی مرگبار دی‌ماه ۱۴۰۴ حضور میدانی گسترده‌تری یافته‌اند، بر آن تاکید دارند. آن‌ها در تجمعات خود و در خارج کشور سلطنت‌طلبان، همواره علیه نیروهای سرنوشتی آزادی‌خواه و برابری‌طلب و چپ و کمونیست سخن می‌گویند و حتی گاهی برخورد فیزیکی هم می‌کنند.

در نتیجه، خیابان در عمل به ابزار رسانه‌ای اصلی پادشاهی‌خواهان برای تقابل با آن نیروهایی تبدیل شده که از آن با برچسب «پنجاه‌هفتی‌ها» یاد می‌کنند. در این حضور خیابانی، معترضان در اشکال نمادین متفاوتی ظاهر شده‌اند؛ در مواردی با پوشش «سیاه‌جامگان»، ساواک و گارد جاویدان و اجرای رژه دست زده‌اند.

رژه پادشاهی‌خواهان با نماد ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور در رژیم پیشین) در خیابان‌های اروپا در خردادماه ۱۴۰۵، بار دیگر نام ساواک را بر سر زبان‌ها انداخت و بازشناسی و ارزیابی دوباره آن را، به‌ویژه برای نسل‌های پس از انقلاب ضروری ساخت. این رژه از آن‌رو پرسش‌برانگیزتر می‌شود که در پاسخ به فراخوان رضا پهلوی، در «اعتراض به خاموشی سراسری اینترنت، بازداشت‌های گسترده و ادامه اعدام» در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی برگزار شده بود، درحالی‌که ساواک در دوران فعالیت خود، به‌عنوان نماد سرکوب سیاسی، خفقان و نقض حقوق بشر شناخته می‌شد و بارها از سوی نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری محکوم شده بود. برگزارکنندگان این رژه، اما پا را از این فراتر گذاشته و خواستار «احیا و گسترش ساواک برای شناسایی عوامل جمهوری اسلامی و اپوزيسيون‌های جعلی و نفوذی» شدند و حتی از تشکیل و عضوگیری آن خبر دادند!

از سوی دیگر، حامیان رضا پهلوی با لباس‌های نظامی گارد جاویدان و سپاهپوشان در خیابان‌های کشورهای غربی رژه رفتند. احتمال دارد برخی از این افراد در اسرائیل دوره‌های امنیتی-نظامی داده باشند.

شاهزاده رضا پهلوی از نیروهایی که آن‌ها را «گارد جاویدان» می‌نامد خواست از شرایط موجود استفاده کنند و نیروهای جمهوری اسلامی را «بیش از پیش فرسوده و تضعیف کنند تا زمینه فروپاشی نهایی آن‌ها فراهم شود.»

پهلوی در این بیانیه ویدئویی خطاب به «گارد جاویدان» گفت: «به شما گفته بودم که کمک در راه است. اکنون آن کمک رسیده است.» رضا پهلوی خطاب به «گارد جاویدان» گفت: «حفظ جان خود را در اولویت قرار دهید چرا که حضور شما در نبرد نهایی برای حفاظت از سیل میلیونی جمعیت، لازم و ضروری است.» رضا پهلوی از «گارد جاویدان» خواست دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی را تضعیف کنند تا زمینه فروپاشی حکومت فراهم شود. او تاکید کرد این فراخوان برای تظاهرات خیابانی نیست، بلکه برای وارد آوردن «ضربه‌های هوشمندانه و موثر» به نیروهای سرکوب است.

تظاهرات طرفداران رضا پهلوی با تی‌شرت‌هایی با لوگوی ساواک در اوایل ماه مه امسال، بحث‌های بسیاری را برانگیخت. پخش خبر دیگری درباره تظاهراتی با تی‌شرت‌های سیاه و ظاهر فاشیستی توسط سلطنت‌طلبان، بر آتش بحث‌ها نفت ریخت.

در بیانیه‌ای که در ماه مه، از طرف افرادی که خود را «گروه مردمی ساواک» معرفی می‌کنند، در تجمع رگنسبورگ آلمان خوانده شد، این گروه با ستایش از عملکرد سازمان اطلاعات و امنیت کشور در دوران محمدرضاشاه پهلوی، خواهان «احیا و گسترش ساواک برای شناسایی عوامل جمهوری اسلامی و اپوزیسیون‌های جعلی و نفوذی» شدند.

یک روز پیش از آن، گروه دیگری از ایرانیان در دانمارک با لباس‌هایی یکدست شبیه یونیفرم نظامی تجمع کرده بودند که آن هم واکنش برانگیز شد. پیش‌تر در شهرهایی از جمله لندن، منچستر و گلاسگو گروهی یکدست سیاهپوش با عنوان «گارد جاویدان» تجمع کرده بودند.

ساواک، سازمان اطلاعات و امنیت کشور در ایران بود که از ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷ فعالیت می‌کرد. اما پس از بیش از چهار دهه و در نسل معترضان جنبش «زن، زندگی، آزادی»، از انتشار تصویری از پرویز ثابتی، از روسای وقت ساواک، در تجمعی در سال ۱۴۰۱ در آمریکا آغاز شد. گروهی از پادشاهی‌خواهان با ارجاع به برخورد ساواک با چهره‌هایی از جمله آن‌هایی که بعدها از سران جمهوری اسلامی شدند، عملکرد آن را موجه می‌دانند.

مخالفان اما با اشاره به سابقه این نهاد در برخورد با منتقدان شاه، ساواک را به «خشونت و شکنجه سیستماتیک» متهم می‌کنند. آن‌ها می‌گویند با رژه و بیانیه‌های اخیر نگران «ترویج خشونت و رویکردهای اقتدارگرا و فاشیستی» شده‌اند. حتی تعدادی از زندانیان سیاسی زمان شاه در آمریکا، از پرویز ثابتی شکایت کرده‌اند و پرونده او در جریان است.



یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ (۱۰ مه ۲۰۲۶) مرکز شهر رگنسبورگ در ایالت بایرن در جنوب آلمان یکی از چند شهری بود که قرار بود تجمعی در آن برای «توقف اعدام‌ها، آزادی زندانیان سیاسی و دسترسی آزاد به اینترنت در ایران» برگزار شود. فراخوان این تجمع رضا پهلوی در شبکه‌های اجتماعی رسمی خود اعلام کرده بود. تصویری از این تجمع که در آن چندین نفر از شرکت‌کنندگان به شکلی متحدالشکل در صفوفی هماهنگ تی‌شرت‌هایی سفید با نماد ساواک به تن داشتند، به موجی از واکنش‌ها دامن زد.

رضا پهلوی در ۱۵ خرداد ۱۳۹۱، در گفت‌وگویی با روزنامه جروزالم پست اسرائیل، در پاسخ به پرسشی درباره ساواک چنین می‌گوید: «برخی از کارکنان ساواک افراط کردند، سرکوب‌های زیادی وجود داشت، اقدام‌های غیرضروری زیادی مانند شکنجه صورت گرفت که من نه تنها نمی‌توانم به‌راحتی از کنار آنان بگذرم، بلکه آن‌ها را محکوم می‌کنم.»

هم‌چنین در بخشی از کتاب «زمان انتخاب» رضا پهلوی آمده است: «وجود شکنجه (در ساواک) نیز اثبات شده و کسی نمی‌تواند آن را انکار کند. برای من شکنجه نه تنها خلاف قانون، بلکه کاری غیرانسانی است و قادر به پذیرش و توجیه آن نیستم. این موضوع برای من بسیار دردناک است چرا که نهایتاً پدرم مسئول آن شناخته می‌شود. اما از نظر من، محکومیت شکنجه، محکومیتی اصولی است، حتی اگر پای پدرم در میان باشد. نمی‌توانم هیچ توجیهی برای این قبیل اعمال پیدا کنم.»

تشکیلات مربوط به ضدجاسوسی ساواک به طور کامل بعد از انقلاب ۱۳۵۷ حفظ شد و ذیل نخست‌وزیری قرار گرفت. نسل اول کارشناسان ضدجاسوسی پس از انقلاب را نیروهای آموزش‌دیده ساواک تعلیم دادند. نیروهایی که یا دوره آموزشی را در کشورهای خارجی گذرانده بودند یا در ایران تحت تعلیم مربیان خارجی قرار گرفتند. بعضی کارشناسان خبره حوزه‌های موضوعی طی سال‌های بعد طرف مشورت قرار گرفتند. منوچهر هاشمی رییس ضدجاسوسی ساواک در تاریخ شفاهی هاروارد که سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۳) در لندن ضبط شد، به این موضوع اشاره می‌کند که ۸۰ تا ۹۰ درصد کادر ضدجاسوسی ساواک مشغول فعالیت هستند... «شاهزاده رضا پهلوی از «ائتلافی رو به رشد از افراد همفکر» برای مبارزه با جمهوری اسلامی خبر داد.» (این‌دیندنت فارسی، شنبه ۴ مرداد ۱۴۰۴ برابر با ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵)

به نوشته این نشریه، «شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با نشریه پولیتیکو اعلام کرد که دست‌کم ۵۰ هزار نفر از نیروهای حکومتی و نظامی به کارزار «همکاری ملی» برای سرنگونی جمهوری اسلامی پیوسته‌اند.

شاهزاده رضا پهلوی حدود یک ماه پیش اعلام کرد که در حال ایجاد یک راه ارتباطی امن برای کسانی است که قصد دارند مسیرشان را از جمهوری اسلامی جدا کنند و برای سرنگونی رژیم حاکم بر ایران قدم بردارند.

او روز هشتم تیر در پیامی ویدیویی تأکید کرد: «تنها نیروهایی که دست‌شان به خون مردم آلوده نیست، مورد خطاب من هستند.»

رضا پهلوی درباره «کارزار همکاری ملی» برای ارتباط مستقیم نیروهای نظامی، انتظامی، امنیتی و دولتی با او و تیمش، اعلام کرد که این مسیر برای نیروهایی طراحی شده که تمایل دارند «به ملت پیوندند.»

او در گفت‌وگو با پولیتیکو از پیوستن بیش از ۵۰ هزار نفر به این کارزار خبر داد و تأکید کرد که این رقم نیاز به بررسی و تأیید کامل دارد. او افزود که او و تیمش می‌کوشند با عناصر کلیدی در نیروهای نظامی، شبه‌نظامی و امنیتی ایران، که در سرنگونی علی‌خامنه‌ای و ایجاد یک دولت سکولار جدید نقش بالقوه‌ای خواهند داشت، ارتباط برقرار کنند.

او همچنین افزود: «هر هفته تعداد بیش‌تری به ما می‌پیوندند. با این حال باید داده‌ها را تجزیه و تحلیل کنیم که یک فرایند دشوار است و مدتی طول خواهد کشید، اما پیام‌هایی که دریافت می‌کنیم بسیار زیادند.»

رضا پهلوی در ادامه گفت که یک وبسایت جداگانه برای شهروندان عادی ایرانی راه‌اندازی خواهد شد تا برای پیوستن به کارزار همکاری ملی علیه جمهوری اسلامی ثبت‌نام کنند.

بنا به گزارش بی‌بی‌سی، ۱ مرداد ۱۴۰۵ - ۲۳ ژوئیه ۲۰۲۶، دفتر آقای پهلوی می‌گوید تماس‌های اولیه و غیررسمی او با افرادی که خود را اعضای بسیج، سپاه و دیگر نهادهای حکومتی معرفی می‌کردند، بعدها با راه‌اندازی پلتفرم «همکاری ملی» در تابستان ۱۴۰۴ شکل سازمان‌یافته‌تری پیدا کرد. در این بیانیه آمده است که پس از راه‌اندازی این پلتفرم، «ده‌ها هزار نفر از سراسر نهادهای سیاسی، نظامی و اداری ایران در آن ثبت‌نام کردند. هزاران نفر از آنان عضو نیروهای مسلح بودند.»

بر اساس این بیانیه، «برخی دیگر در نهادهای مدنی سمت داشتند. در میان آنان، مقام‌های ارشد حکومتی و نظامی نیز بودند که هویتشان با استفاده از کارت‌های شناسایی ملی تأیید شده بود. برخی دیگر از اعضای نیروهای مسلح بودند که بعدتر در خیزش ۸ و ۹ ژانویه کشته شدند.»

بی‌بی‌سی فارسی، می‌نویسد: امکان راستی‌آزمایی مستقل این موضوع را ندارد. با توجه به ماهیت امنیتی این ارتباطات، دفتر آقای پهلوی نیز شواهدی منتشر نکرده است که امکان تأیید مستقل این ادعاها را فراهم کند.

بی‌بی‌سی، ادامه می‌دهد: رضا پهلوی، هم‌چنین در هشتم تیر ۱۴۰۴، در پیامی ویدیویی گفته بود برای ارتباط مستقیم نیروهای نظامی، انتظامی، امنیتی و دولتی با خود و تیمش «یک کانال امن» اینترنتی ایجاد کرده است. او تأکید کرده بود دعوت او تنها شامل آن دسته از نیروهایی می‌شود که «دستشان به خون مردم آلوده نیست.»

پهلوی سپس از نظامیان و نیروهای امنیتی خواست برای برقراری ارتباط امن، «کیوآر کد» یک «شبکه امن» را که در برنامه زنده یکی از شبکه‌های فارسی‌زبان خارج کشور نمایش داده می‌شد، اسکن کنند.

این اظهارات رضا پهلوی هم در آن زمان و هم طی ماه‌های بعد، واکنش‌های زیادی داشت و منتقدین این موضوع را مطرح می‌کردند که چرا او با اطمینان دادن به مردم درباره ریزش نیروها، فراخوان داد.

در جریان اعتراضات روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه سال گذشته، شمار بسیار زیادی از معترضان توسط نیروهای امنیتی و انتظامی کشته شدند.

خبرگزاری رویتر روز ۶ مرداد ۱۴۰۵، از جمله نوشته بود: با آغاز جنگ ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران در سال جاری، به نظر می‌رسید لحظه‌ای سرنوشت‌ساز برای رضا پهلوی، فرزند شاه مستبدی که در سال ۱۹۷۹ سرنگون شد، فرا رسیده است.

پهلوی با وجود این‌که نزدیک به نیم قرن است قدم به خاک ایران نگذاشته، به‌طور فعال در ایالات متحده و اروپا در حال کمپین و فعالیت بوده است. او اواخر فوریه (در اسفند ۱۴۰۴)، مدت کوتاهی پس از آغاز جنگ، در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد: مردم ایران از من خواسته‌اند تا رهبری دوران گذار پس از رختن رژیم را برعهده بگیرم. من این مسئولیت را پذیرفته‌ام.

گفته می‌شود در اعتراضات دی ماه، آدم‌کشان جمهوری اسلامی هزاران معترض را به گلوله بستند و کشتند. اما حتی یک نمونه اعلام نشد که از نیروی ۵۰ هزار نفری مورد ادعای رضا پهلوی، یک نفر از ماموران جمهوری اسلامی به صف مردم پیوندند و یا گلوله خود را نه به‌سوی مردم، بلکه به‌سوی همکاران خود بگیرند؟!

اما جالب است که در ۶ مارس، پلیس جسد «مسعود مسجودی»، دانشگاهی و معلم ریاضی متولد ایران را که در نزدیکی ونکوور زندگی می‌کرد، پیدا کرد. اندکی پس از آن، مقامات دو تن از حامیان پهلوی را به‌قتل او متهم کردند.

مسجودی یک فعال سیاسی بود که پیش از این، از رضا پهلوی حمایت می‌کرد و حتی در سال ۲۰۲۱ در یک گفت‌وگوی ویدیویی طولانی با او شرکت کرده بود.

به گفته فردی که آن‌ها را می‌شناخت، او هم‌چنین با دو تن از نزدیک‌ترین دستیاران پهلوی یعنی قاسمی‌نژاد و امیر اعتمادی ارتباط داشت؛ همه آن‌ها تقریباً در یک زمان در دانشگاه تهران تحصیل کرده بودند. این سه مرد بعداً به اعضای فعال یک گروه سیاسی طرفدار پهلوی به نام دانشجویان و دانش‌آموختگان لیبرال ایران تبدیل شدند. مسجودی و اعتمادی هم‌چنین به شبکه فرشگرد پیوستند که آن‌هم از رضا پهلوی حمایت می‌کرد. قاسمی‌نژاد تأیید کرد که با مسجودی هم‌دانشگاهی بوده اما گفت که چند سالی است با او در تماس نبوده است. اعتمادی به درخواست‌ها برای اظهارنظر پاسخ نداد.

اما مسجودی در نهایت راه خود را از پهلوی جدا کرد. در سال ۲۰۲۴، او مجموعه‌یی از شکایت‌ها را در دادگاه عالی بریتیش کلمبیا علیه پهلوی و برخی از حامیان تنظیم کرد که در نهایت شامل هزاران صفحه اسناد دادگاه شد.

در یکی از این دادخواست‌ها ادعا شده بود: پهلوی از طریق دفتر، مشاوران، منشی‌ها و همکارانش، سابقه‌ای مداوم در هدایت حملات سایبری به فعالان مخالف ایرانی، به‌ویژه فعالان دموکراسی‌خواه دارد مسجودی استدلال کرده بود که پهلوی مسئولیت نیابتی رفتار حامیان را برعهده دارد زیرا به‌گفته او، آن‌ها تحت نفوذ او عمل می‌کردند

پهلوی در ابتدا به دو شکایت علیه خود پاسخ نداد. اما پس از این که متوجه شد مسجودی احکام غیابی علیه او دریافت کرده است، در نوامبر ۲۰۲۵، دو سوگندنامه رسمی ارائه داد که در آن‌ها اتهامات مسجودی را رد کرد. او در هر دو سوگندنامه خود اظهار داشت: من خواهان پرونده، مسعود مسجودی را نمی‌شناسم.

با این حال، این دو مرد به‌صورت آنلاین با یکدیگر دیدار کرده بودند. به‌گفته یک فرد مطلع، در جولای ۲۰۲۱، مسجودی در یک تماس ویدیویی خصوصی در زوم با پهلوی و دو فعال دیگر شرکت کرده بود. مسجودی آن را ضبط کرد و بعداً بخشی از تماس را که او و پهلوی با هم گفت‌وگو می‌کردند در یوتیوب منتشر نمود. علاوه بر این، سعید حسین‌پور، از اعضای فعال فرشگرد، گفت که مسجودی در برخی از تماس‌های گروهی زوم که اعضای آن با پهلوی داشتند، حضور داشته است.

اما در اواخر سال گذشته، مسجودی متقاعد شد دو تن از وفاداران سرسخت رضا پهلوی که او از آن‌ها نیز شکایت کرده بود، در حال توطئه برای ترور او هستند. در ماه اکتبر، او در شبکه ایکس ادعا کرد که متهمان به توطئه -مهدی احمدزاده رضوی و آرزو سلطانی- تلاش کرده‌اند تا به ماده‌ای کشنده برای کشتن او دست یابند تا شکایت‌های او علیه پهلوی و دیگران متوقف شود.

رزیتا فاطمی، یک پزشک محلی، بعداً سوگندنامه‌ای ارائه داد و اعلام کرد که در سپتامبر ۲۰۲۵ با این دو متهم دیدار کرده و یکی از آن‌ها از من دارویی خواست تا «از شر او خلاص شوند». بر اساس روند گفت‌وگو، متوجه شدم که سوژه سلطانی برای درخواست آن دارو مسجودی بوده و هدف آن‌ها قتل او بوده است فاطمی گفت که این درخواست را رد کرده است.

برخی از دوستان مسجودی به رویترز گفتند که او پیام‌هایی برای آن‌ها فرستاده و از آن‌ها خواسته بود در صورت قتل وی، این پیام‌ها را به پلیس تحویل دهند. در یکی از این پیام‌ها به تماس تصویری زوم او با پهلوی اشاره شده بود.

در اوایل فوریه، همسایگان گزارش مفقود شدن مسجودی را دادند. ماه بعد، پس از پیدا شدن جسد وی، دو نفری که مسجودی آن‌ها را به طراحی قتل خود متهم کرده بود، به‌قتل درجه اول متهم شدند. وکلای این دو متهم به درخواست‌ها برای اظهارنظر پاسخ ندادند. متهمان هم‌چنان در بازداشت به سر می‌برند...

ابزار اصلی جمهوری اسلامی برای سرکوب داخلی و اعمال قدرت در خارج از کشور، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. دفتر پهلوی هم برای سرکوب مخالفین خود در خارج کشور، ساواک و گارد جاویدان و سپاه‌جامگان تشکیل داده است.

پس از بمباران ایران توسط اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه سال گذشته، ۱۵ تن از چهره‌های برجسته تجاری ایرانی-آمریکایی یک گروه واتس‌آپ را برای گفت‌وگوهای خصوصی درباره اوضاع راه‌اندازی کردند. این گروه در نهایت به ۲۸ عضو رسید. به‌گفته یکی از اعضا، شرکت‌هایی که آنها رهبری می‌کنند در حال حاضر ارزش بازاری معادل بیش از ۱ تریلیون دلار دارند.

یکی از اعضای گروه گفت: آن‌ها این باور را نداشتند که پهلوی فرد مناسبی است این منبع افزود در نهایت، کمتر از ۱۰ نفر در مجموع بیش از ۳ میلیون دلار کمک کردند.

پهلوی به رویترز گفت که اخیراً شروع به درخواست کمک‌های مالی بزرگ کرده است. او گفت در گذشته، بیش‌تر بودجه او از کمک‌های مالی کوچک تأمین می‌شد بدون این که حتی یک پنی از منابع عمومی خارجی یا دولتی تأمین شده باشد رویترز نتوانست به‌طور مستقل تمام منابع مالی او را تأیید کند.

کامران خوانساری‌نیا، رییس دفتر پهلوی، گفت که این بودجه عمدتاً صرف امنیت، سفر، حقوق کارکنان، پروژه‌های رسانه‌یی و برنامه‌ریزی برای انتقال به یک دولت جدید می‌شود.

یکی از حامیان مالی ایرانی-آمریکایی گفت تصور می‌شد پهلوی به توصیه‌های حامیان مالی خود توجه بیش‌تری خواهد کرد. اما با وجود تماس‌های ویدیویی مکرر بین پهلوی و برخی از این فعالان تجاری، ثابت شد که اوضاع این‌گونه نیست. این کمک‌کننده دیگر مبالغ بیش‌تری پرداخت نکرده است: ما همگی تاجر هستیم. شما انتظار دارید سرمایه‌گذاری‌تان بازگشت داشته باشد.

اکنون با گرم‌تر شدن دوباره تنور جنگ، پهلوی با آزمونی حیاتی‌تر برای رهبری خود نسبت به رویارویی با حامیان مالی ناامید روبه‌روست. رویترز در پایان خاطرنشان می‌کند: دولت ترامپ همچنان به مذاکره با حکومت تئوکراسی ایران ادامه می‌دهد. و واشنگتن تغییر رژیم را که پهلوی به آن نیاز دارد، مطالبه نمی‌کند.



در پایان می‌توانیم تأکید کنیم این اولین بار نبود که نماد ساواک در تجمعات اعتراضی هواداران بازگشت پادشاهی به چشم می‌خورد، اما یکدست‌ترین و اولین آن از این نوع بود. پیش از این، حضور افرادی سیاهپوش در خیابان‌های لندن با هدایت فردی که به‌عنوان یکی از چهره‌های شناخته‌شده سازماندهی تجمعات هواداران نظام پادشاهی شناخته می‌شود، خبرساز شده و بسیاری آن را یادآور حضور خیابانی گروه‌هایی با رویکردهای «افراطی و فاشیستی» ارزیابی کردند. در حالی که ساواک در حافظه جمعی بخش بزرگی از جامعه ایران، نماد دستگاهی است که کنترل سیاسی، شکنجه، بازجویی، سانسور و حذف مخالفان را سازماندهی می‌کرده است.

اکنون بازگشت این نمادها، رسماً و علناً به فضای عمومی، برای احیا حکومت ساواک محمدرضا پهلوی است. تقدس‌سازی ساواک، پذیرش شکنجه و سرکوب، وحشت و ترو، معنی دیگری ندارد. ساواک و گار جاویدان، یادآور «رعب و وحشت و نماد یک حکومت فاشیستی» است.

این نوع حضورها این پرسش را در جامعه ایرانی خارج کشور، برانگیخته است که پیام رضا پهلوی و حامیانش چیست؟ بازتولید نوعی نوستالژی سیاسی، یا نوعی فانتزی مبتنی بر ترس؛ آن هم در شرایطی که از یک طرف جنگ خائمانسوز آمریکا علیه ایران و از طرف دیگر، سرکوب‌ها و اعدام‌های روزانه حکومت و... بخش زیادی از آن بخش از توأبینی که در زندان‌های جمهوری اسلامی با شکنجه‌گران و آدم‌کشان معرفی هم‌چون لاجوردی، جاج داود و ... دم‌خور شده بودند و وزارت اطلاعات آن‌ها را برای شکا مخالفین و شناساسایی خانه‌ها تیمی مجاهدین و غیره به خیابان‌ها می‌بردند و ...، اکنون در کنار رضا پهلوی قرار گرفته‌اند. یا هر چهره جمهوری اسلامی مانند نصیری به راحتی به خارج کشور می‌آیند و در کنار رضا پهلوی قرار می‌گیرند خود نشان‌دهنده یک نوع همکاری نانوشته بین رضا پهلوی و جمهوری اسلامی ایران!

حضور سیاه جامگانی که با بنیتو موسولینی، رهبر حزب فاشیست ملی ایتالیا، شناخته می‌شوند، افرادی که در این تجمع‌ها با پوشیدن لباس‌های نظامی خود را اعضای «گارد جاویدان» می‌نامند و یا در موردی با برتن کردن پیراهن‌هایی با نشان سازمان اطلاعات و امنیت حکومت پهلوی (ساواک) در راهپیمایی‌های پادشاهی‌خواهان حاضر می‌شوند.

در هر صورتی و به هر دلیلی، بازتولید چنین نمادها، در کنار طرفداری از جنگ اسرائیل و آمریکا علیه ایران و امید بستن به مداخله نظامی و «رژیم چنچ» در تاریخ سیاسی ایران و منطقه و جهان تجربه شکست‌خورده‌ای است.

در آلمان با تی‌شرت ساواک رژه می‌روند و در لندن سیاه‌پوشان و کپنهاک گارد جاویدان راه انداخته‌اند... در نفرت‌پرانی و تلاش برای ارباب مخالفان، از همه مرزهای سرخ عبور کرده‌اند. جریانی که با حمایت مالی، سیاسی و رسانه‌ای سازمان‌های امنیتی «سیا» و «موساد»، لابی‌های یهودی به‌ویژه دولت اولترا دست راست و نسل‌کش بنیامین نتانیاهو، در سودای کسب قدرت در ایران است ابزار همان دولت‌هایی هستند که ده‌هاست روزگار مردم لیبی، سوریه، عراق و افغانستان سیاه کرده‌اند و مردم این کشورها را در معرض دایمی تروریسم و جنگ و کشتار و خانه‌خرابی قرار داده‌اند!

به‌علاوه، در کشوری که تجربه هولوکاست و گشتاپو(نازی‌ها) و ویرانی آلمان در جنگ جهانی دوم، هنوز در حافظه تاریخی جامعه زنده است و نگاه بخش بزرگی از مردم به برخی احزاب و سازمان‌ها، نهادهای اطلاعاتی-امنیتی خود آلمان با بدبینی و بی‌اعتمادی همراه است، عده‌ای پهلوی‌طلب افراطی و شعبان بی‌مخی با تی‌شرت‌هایی مزین به لوگوی ساواک رژه رفتند؛ سازمانی که یادآور سرکوب، شکنجه و خفقان سیاسی در دوران دیکتاتوری پهلوی است! اسکات اندرسون، نویسنده کتاب شاه شاهان: انقلاب ایران(کتابی در سال ۲۰۲۵ درباره قیامی که منجر به سرنگونی پدر پهلوی شد)، گفت: او در نوعی حباب سلطنت‌طلبی زندگی کرده است.

اندرسون افزود: تمام چیزهایی که من همیشه از مردم جامعه مهاجران ایرانی درباره او شنیده‌ام این است که او تا حدی بی‌وزن و غیرجدی است.
چهارشنبه چهاردهم مرداد ۱۴۰۵-پنجم آگوست ۲۰۲۶